

## راز آفرینش انسان

این سؤال همواره برای بسیاری از مردم مطرح می‌شود که هدف زندگی چیست و خدا چه منظوری از آفرینش ما داشته است؟ از کجا آمده‌ایم، به کجا می‌رویم، چه باید بکنیم؟ ما که به اختیار و انتخاب خود به دنیا نیامده و کسی از ما کسب نظر نکرده است، آنکه ما را آفریده، چه مقصودی از این آوردن و بردن‌ها داشته است؟... به قول حکیم عمر خیام نیشابوری :

در دائره ای که آمدن و رفتن ماست  
کس می نزند دمی در این عالم راست  
آن را نه بدایت نه نهایت پیداست  
کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست

می‌گویند هر هنرمند نقاش و مجسمه سازی آنچه می‌آفریند، در نمایش و نگهداری‌اش با تمام وجود می‌کوشد و سعی می‌کند تا ابد نگاه‌اش دارد، چرا خداوندی که با آفرینش انسان، "فتبارك الله احسن الخالقين" گفته، آفریده‌اش را به پیری و مرگ سوق می‌دهد؟ خیام راست می‌گوید؛ هیچ انسانی پاسخ این سؤال را که هدف آفرینش ما چیست نمی‌داند، پس چاره‌ای جز پرسش از آفریننده با جستجو در کتابش نمی‌ماند. قرآن در خلال آیاتش اشاراتی به این معنا کرده است که از تدبیر در آنها می‌توان به سوالات فوق پاسخ داد. ذیلاً به چند آیه، که از ابعاد مختلف این هدف را نشان می‌دهند اشاره می‌کنیم:

### الف) هدف از خلقت عبادت است

ذاریات ۵۶- وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

جن و انس (غریبه و آشنا) را نیافریدم مگر آن که مرا "عبادت" کنند

عبادت چیست که هدف آفرینش انسان شمرده شده است؟ ترجمه‌های فارسی قرآن، عبادت را معادل: "بندگی کردن"، "پرستش" و اطاعت گرفته‌اند. البته این معادل‌ها از جهاتی درست است، ولی بیانگر روح مطلب و رساننده همه بار معنایی کلمه عبادت نمی‌باشند. در ترجمه‌های انگلیسی قرآن نیز عبادت را معادل: worship یا to serve (خدمت کردن به خدا) شناخته‌اند، که چندان رسای به مقصود آیه نیست. مثل:

I have only created sprites and men so they may worship Me (T.B. Irving).

I have only created jinns and men so that they may serve Me (Abdullah Yosuf Ali).

با توجه به سابقه ذهنی که مردم جهان، بخصوص غربی‌ها، از برده‌داری و بندگی دارند، آیا چنین برداشتی با این فراز قرآنی که: "ما بنی‌آدم را کرامت بخشیدیم" (لقد کرّمنا بنی آدم) تناسبی دارد؟... از آن گذشته، بندگی کردن خدا و سرویس دادن به او!! ممکن است تلویحاً دلالت بر نیاز خداوند به بندگان کند در حالی که دنباله همان آیه گفته است: "من نه از آنها رزقی می‌خواهم و نه آن که خوراکم دهند! مسلماً خدا خود روزی‌رسان همه و بسیار نیرومند و برقرار است". پس این سؤال به طور جدی مطرح است که حقیقت عبادت چیست: پرستش خدا، خدمت به خلق، تفکر و کسب علم، سرویس دادن به خدا... یا چیزی دیگر!؟

به تعبیر شادروان دکتر شریعتی؛ در زبان عربی هموار کردن راه سنگلاخ برای جاده سازی را "عبدالطریق" و مسیری را که در اثر کثرت رفت و آمد کوبیده و برای رهروان رام شده باشد، "طریق معبد" می‌نامند! بنابراین عبادت به سلسله رفتارهایی گفته می‌شود که جاده وجود انسان را برای پذیرش تکالیف و صفات خدائی، مثل ایثار، انفاق، عفو، شهادت، علم و حکمت و... هموار سازد و مقاومت منبّتها و نفس‌دنیاطلب او را مهار نماید. کما آنکه در کشورهای عربی به ماشین‌های رامسازی که جاده‌ها را هموار می‌سازند "عابد" می‌گویند.

با چنین ریشه‌یابی لغوی، آیا نمی‌توان گفت منظور از عبادت، رام و هموار کردن نفس سرکش، طغیانگر و تن‌پرور آدمی است تا استعدادهای بالقوه‌ای را که خداوند از روح خودش در او دمیده به فعلیت برساند؟ این استعدادها چیزی جز همان اسماء الهی نیست که در همان آغاز آفرینش و سجده ملائک در نهاد آدمی به ودیعه گذاشته شده است.

موجودات جهان به تمامه رام و تسلیم و تسبیح‌گوی او هستند. این تنها انسان است که عبادت را به اختیار خود و با عشق انتخاب می‌کند. هموار کردن جاده قلب برای استقبال از یار در آستانه دل، همچون جاده‌سازی‌های مادی به مجاهدت‌های سخت برای صاف کردن سنگلاخ‌های نفس نیازمند است.

نکته دیگری که باطنی بودن عبادت را، برخلاف معمول، که به ظواهر اهمیت می‌دهند، نشان می‌دهد، تقابل و تضاد "عبادت" با "استکبار" است که به دفعات این تعارض در قرآن آمده است (از جمله نساء ۱۷۲، اعراف ۲۰۶ و مؤمن ۶۰). این امر به خوبی نشان می‌دهد که عبادت مبارزه‌ای درونی با احساس خود بزرگ‌بینی از طریق تمرین تواضع و تسلیم در برابر حق و اطاعت عارفانه از اوامر الهی است. با چنین توجیهی، ابهام دیگری که در نهی آدمیان در "عبادت شیطان"، در برخی آیات قرآن وجود دارد، برطرف می‌گردد. مطابق ترجمه‌های موجود قرآن، خداوند همه انسان‌ها را از پرستش و بندگی شیطان به شدت نهی کرده و از بنی‌آدم بر این کار پیمان جدی گرفته است.

یاسین ۶۰ - أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم

ای بنی‌آدم، مگر به شما سفارش نکردم که شیطان را عبادت نکنید که او دشمن آشکار شماست و اینکه تنها مرا عبادت کنید، که راه راست همین است.

منظور از چنین شیطانی، می‌تواند بُت باشد، یا جباران روزگار و فرهنگ و نظام سیاسی اعتقادی که در پشت چنین بُت‌هایی قرار دارند.

### ب) هدف از آفرینش انجام اعمال نیکوست

ممکن است این سؤال مطرح شود که اگر "عبادت"، تسلیم خود به خدا و گشودن آغوش ایمان برای او باشد، چه نشانه و نتیجه‌ای دارد؟ به نظر می‌رسد دو آیه ابتدای سوره "مُلک"، که در آیات دیگری نیز تکرار شده، نقش زیبا ایفا کردن در زندگی را محصول و میوه درخت دل و روح‌های روی کرده به "رَبِّ الْعَالَمِينَ" شمرده است. در اینصورت عبادت، همان نیکوکاری و رفتار زیباست که در سخن سعدی هم جلوه کرده است:

عبادت بجز خدمت خلق نیست      به تسبیح و سجاده و دلّی نیست

ملک ۱ و ۲ - تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَنُكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ

خجسته و برکت باراست خدائی که فرمانروائی به دست اوست و بر هرکاری تواناست، همانکه مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید کدامین در عمل نیکوترید و اوست فرا دست و آمرزگار.

کهف ۸- إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

ما آنچه روی زمین است را زیوری برای آن قرار داده‌ایم تا (با جاذبه‌هایش) مردم را بیازمائیم کدامین در عمل نیکوترند.

به میدان ابتلاء و امتحان انداختن آدمی در مدرسه هستی و ایجاد رقابت برای رفتارهای زیبا و پسندیده، شبیه همان سختی‌های دوران مدرسه و دانشگاه برای کسب دانش است. این معنا را با وضوح بیشتری در آیات ابتدای سوره "انسان" شرح داده است. آدمی از عدم سر برآورده و سیری از نطفه تا نهال برومند را طی کرده و در میدان ابتلای زندگی به مدد ابزار هدایتی گوش و چشم، یا کفران نعمت می‌کند و یا شکر آن را با اعمال پسندیده‌اش به جای می‌آورد.

انسان ۱ تا ۳- هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

آیا روزگاری برانسان نگذشته که (در عدم) چیز قابل ذکری نبوده است؟ ما انسان را از نطفه درهم آمیخته‌ای آفریدیم تا در چالش کمالش قرار دهیم؛ از این روی شنوا و بینایش گردانیدیم. راه را نیز به او نشان دادیم، (اینک می‌خواهد) سپاسگزار یا ناسپاس باشد.

شرح تفصیلی آیه فوق را در خطبه زیر از امام علی(ع) ملاحظه نمائید:

خطبه ۲۴۱- وَاللّٰهُ مُسْتَأْدِبِكُمْ شُكْرَهُ، وَمُورَثُكُمْ أَمْرَهُ، وَمَمْهَلُكُمْ فِي مَضْمَارِ مَحْدُودٍ، لِيَتَنَازَعُوا سَبَقَهُ، فَشَدُّوا عُقْدَ الْمَآزِرِ، وَأَطَوْوا فُضُولَ الْخَوَاصِرِ، وَلَا تَجْتَمِعُ عَزِيمَةٌ وَوَلِيْمَةٌ، وَمَا أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعِزَائِمِ الْيَوْمِ، أَمْحَى الظُّلْمَ لِيَتَذَكَّرَ الْهَمَمِ.

خداوند ادای شکرش را از شما خواسته است و امرش (اختیار) را میراث شما قرار داده و در میدان خودسازی مدت‌دار دنیا مهلتتان بخشیده تا گوی سبقت را از یکدیگر بربائید. پس کمربندهای خویش محکم کنید و اختلاف و عنادی‌های دامن‌تان را کوتاه نمائید. اراده با سورچرانی جمع نمی‌شود! چه بسیار خواب شب تصمیمات روز را به فراموشی می‌سپرد و تاریکی‌های آن روشنی‌های بیداری را محو می‌کند.

### پ) مشمول رحمت حق واقع شدن

انتخاب میان شکر و کفر در دوراهی اختیار کار ساده‌ای نیست؛ هر دو قطب خیر و شرّ در دو جاذبه رحمن و شیطان، ما را به سوی خود می‌کشانند. در این زد و خورد شك و تردید که در سینه‌ها جریان دارد و اختلاف و عنادی که میان جذب‌شدگان به دو مسیر مختلف پدید می‌آید، کسانی به نیروی خداجویی و خویش‌تن‌داری مشمول رحمت حق واقع می‌شوند. این است همان هدف خلقت، آنچنان که در آیه زیر بیان شده است:

هود ۱۱۸ و ۱۱۹- وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۗ وَكَأَيِّنْ مِنْ مُخْتَلِفِينَ ۗ إِنْ أَرَادَ مِنْ رَبِّكَ ۖ وَذَلِكَ خَلْقُهُمْ...

اگر پروردگار تو می‌خواست، همه مردم را امتی واحد قرار می‌داد و پیوسته در اختلاف نبودند، مگر کسانی که (با دوری از شرک و تفرقه) مورد رحمت ریش‌شان قرار گیرند و برای همین هم خلق شده‌اند (تا در تعادل توحید بمانند)

راه کمال، سربالا و سخت است. به تعبیر پیامبر مکرم اسلام: "بهشت با سختی‌ها و جهنم با هوس‌های شهوانی پیچیده شده است". هیچ طاعتی جز در متن کراهت و هیچ معصیتی جز در متن شهوت نیست. (خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه).

در انجیل از عیسی مسیح (ع) نقل شده است که: "فقط با عبور از در تنگ می‌توان به حضور خدا رسید. جاده‌ای که به طرف جهنم می‌رود بسیار پهن است و دروازه‌اش نیز بسیار بزرگ. همه کسانی که به آن راه می‌روند به راحتی می‌توانند داخل شوند، اما دری که به زندگی جاودان باز می‌شود کوچک و راهش نیز باریک است و تنها عده کمی می‌توانند به آن راه یابند. شواهد قرآنی در سایر موارد بسیار است. ذیلاً به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

انشقاق ۶- يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهٖ

ای انسان، تو با تلاش بسیار به سوی پروردگارت در حرکتی و به لقای او نائل می‌شوی.

تین ۴- لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

ما انسان را در بهترین استعداد بالا آمدن آفریدیم، سپس او را (برای به کمال رسیدن در مبارزه با سختی‌ها) به پایین‌ترین جاذبه‌ها رها ساختیم، مگر مؤمنان نیکوکار که پاداشی بی‌پایان دارند.

عصر ۱ و ۲- وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ

سوگند به عصر که انسان مسلماً در زیان است، مگر کسانی که ایمان آورده، عمل شایسته به جای آورند و یکدیگر را به حق و پایداری (در راه تحقق آن) سفارش کنند.